



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام صادق عليه السلام

و تکریم شاگردان

محمد جواد طیبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام صادق (ع) و تکریم شاگردان

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	امام صادق (ع) و تکریم شاگردان
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	اشاره
۷	ابان بن تغلب
۷	فضیل بن یسار
۸	هشام بن محمد
۸	حمران
۸	چهار نفر از نیکان
۸	احترام شاگرد جوان و پرتلاش
۸	انس با شاگردان
۹	اجازه سخن
۹	بهره‌گیری از افراد توانا و آموزش در حین کار
۱۰	تقدیر از تلاشهای علمی
۱۰	ارجاع مردم به شاگردان خود
۱۱	درخواست گزارش از فعالیتهای تبلیغی
۱۱	راهنمایی و تذکر
۱۲	ابراز خشم از اسائه ادب بر شاگردان
۱۲	تأثر از فوت یاران و اظهار همدردی
۱۲	ترحم و طلب آمرزش
۱۳	زیارت قبر یاران
۱۳	پاورقی

۱۴ ..... تشویق و تکریم شاگردان شایسته

۱۴ ..... اشاره

۱۴ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام صادق (ع) و تکریم شاگردان

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۰-۷۳۵۷

سرشناسه: طبسی محمدجواد

عنوان و نام پدیدآور: امام صادق و تکریم شاگردان طبسی محمدجواد

منشأ مقاله: ، مبلغان ش ۱۷، (ربیع‌الاول ۱۴۲۲): ص ۱۵ - ۲۵.

توصیفگر: سیره امامان

توصیفگر: اخلاق علمی

توصیفگر: جعفر بن محمد (ع)، امام ششم

توصیفگر: روابط معلم - دانش آموز

### مقدمه

### اشاره

نوشتار حاضر، سیری گذرا و اجمالی در سیره علمی امام صادق علیه السلام و گوشه‌ای از برخوردهای آن حضرت را در تکریم اصحاب و یاران و شاگردان خود - آنگونه که در تاریخ ثبت شده است - نشان می‌دهد. این نوشته را به بهانه میلاد با سعادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به شاگردان مکتب آن حضرت علیه السلام تقدیم می‌کنیم. چهره مقدس و ملکوتی امام جعفر صادق علیه السلام آن قدر روشن و تابناک است که هرگز نیازی به تعریف و تمجید دیگران ندارد، بلکه این دیگران بودند که با درک محضر آن حضرت و استفاده از وجود پرفیضش به عالی‌ترین مراتب کمال می‌رسیدند. دوران ۳۴ ساله امامت ایشان فرصتی طلائی بود تا کام تشنگان معارف ناب الهی را از زلال سرچشمه وحی سیراب سازد. از این رو تمام برخوردهای وی با افراد و گروه‌ها حتی دگراندیشان خود باخته، آموزنده بود. در این میان یاران و شاگردان آن حضرت بیشترین استفاده را بردند و درسهای ارزنده‌ای را برای آیندگان به یادگار گذاشتند. او سالها بر کرسی درس و منبر پیامبر قرار گرفت و هزاران شاگرد را در مکتب خود تربیت کرد. سلوک علمی امام صادق علیه السلام طی این سی و چند سال، برخورد شایسته یک استاد را با شاگردان خود به زیباترین وجه ترسیم می‌کند.

### ابان بن تغلب

ابان بن محمد بن ابان بن تغلب گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت به اتفاق پدرم ابان بن تغلب خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. همین که نگاه امام به پدرم افتاد دستور داد بالش برای پدرم نهادند و با پدرم مصافحه و معانقه کرد و به او خوش آمد گفت. [۱].

### فضیل بن یسار

هرگاه امام فضیل بن یسار را می‌دید می‌فرمود: بشر المخبّین، سپس می‌فرمود: هر که دوست دارد به سوی مردی از اهل بهشت نظر

کند، به او نگاه کند. و آنگاه می‌افزود: فضیل از اصحاب پدر من است و من دوست می‌دارم کسی را که دوست بدارد یاران پدرش را. [۲].

### هشام بن محمد

امام علیه السلام نسبت به هشام بن محمد السائب کلبی بسیار عنایت داشت به گونه‌ای که هر گاه بر حضرت وارد می‌شد، امام صادق او را در نزد خود می‌نشانید و با او با گشاده‌رویی و انبساط سخن می‌گفت. [۳].

### حمران

بکیر بن اعین در ایام حج بر امام صادق وارد شد. حضرت سراغ حمران را از او گرفت. بکیر گفت: امسال نتوانسته به حج بیاید با آنکه شوق شدیدی داشت که به حضور شما شرفیاب شود، لکن به شما سلام رساند. حضرت فرمود: بر تو و بر او سلام باد... حمران مؤمن است و از اهل بهشت می‌باشد.... [۴].

### چهار نفر از نیکان

امام صادق علیه السلام درباره چهار نفر از یاران و شاگردان خود فرمود: استوانه‌های زمین و پرچمهای دین چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن البختری مرادی و زراره بن اعین. [۵]. همچنین درباره این چهار نفر فرمود: همانا یاران پدرم افتخار ما هستند چه در حیات و چه پس از مرگشان که آنها زراره، محمد بن مسلم، لیث مرادی و برید عجللی می‌باشند. قیام کنندگان به عدل و داد و صدق و راستی با آنانند، آنها پیشتازان پیشتازانند و آنان مقربان درگاه حق تعالی می‌باشند. [۶].

### احترام شاگرد جوان و پرتلاش

در میان یاران امام صادق علیه السلام شاگردان جوانی هم حضور داشتند. یکی از این جوانان هشام بن الحکم بود که به گفته شیخ مفید آنچنان در نزد ابی‌عبدالله علیه السلام مقام و منزلت داشت [۷] که گاهی برخی را به شگفتی وا می‌داشت. وی می‌نویسد: روزی هشام بن الحکم در منی بر آن حضرت وارد شد در حالی که تازه جوانی بیش نبود و در آن مجلس، بزرگان شیعه همانند حمران بن اعین و قیس ماصر و یونس بن یعقوب و ابوجعفر احوال و غیر آنها حضور داشتند. در حالی که از تمامی حاضران کوچکتر بود، امام صادق علیه السلام او را بر همگان مقدم داشت. همین که امام دریافت که احترام به هشام بر حضار گران آمده است، فرمود: هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده [۸] «این با قلب و زبان و دستش یاری کننده ماست.»

### انس با شاگردان

امام صادق علیه السلام شاگردان و یاران خود را دوست می‌داشت و به هنگام دیدارشان شادی و خوشحالی می‌کرد و بارها این سرور و شادمانی از آن حضرت دیده شد. اینها نمونه‌هایی از آن است: عنبسه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود من از دست مردم مدینه و تنهایی خودم به خدا شکایت می‌کنم تا اینکه شما بر ما وارد شوید و شما را بینم و از دیدنتان شادمان شوم. ای کاش این طایفه - ابوجعفر منصور - مرا آزاد می‌گذاشت که خانه‌ای بگیرم و در آن سکونت کنم و شما را نیز همراه خود در آن جای دهم. [۹]. روزی آن حضرت شخصی را به دنبال ابوحزمه فرستاد و او را طلبید. چون وارد شد، حضرت فرمود: انی لاستریح اذا رایتک. [۱۰] ای ابوحزمه وقتی که تو را می‌بینم قلبم آرام می‌شود. ممکن است گفته شود امام صادق با یاران و



شاگردانی که در کوفه داشته بسیار مانوس بوده است. دو حدیث یاد شده نیز دلالت بر همین مطلب می‌کند. یاران و شاگردان آن حضرت در کوفه معرفت بسیار بالایی نسبت به امام داشته‌اند و بدین جهت حضرت نیز متقابلاً از حضور آنها شاد می‌گشته و اگر روزی یکی از آنها را نمی‌دیده است، وی را مورد تفقد قراد می‌داده است و نسبت به برخی افراد همانند ابو حمزه، تقاضا می‌کنند تا به حضورشان شرفیاب شود. در پاسخ می‌گوییم اگر چه ممکن است واقعیت امر همین باشد اما تکرار این ماجرا نسبت به برخی دیگر از یاران و شاگردان امام، این احتمال را که احترام آن حضرت مخصوص یاران و شاگردانشان در کوفه باشد، کم‌رنگ می‌کند. به همین دلیل است که می‌بینیم روزی که نگاه امام صادق علیه السلام به عقبه بن خالد که به همراه معلی بن خنیس و عثمان بن عمران بر حضرتش وارد شده بودند، افتاد، حضرت فرمود: خوش آمدید! خوش آمدید! چهره‌هایی است که ما را دوست می‌دارند و ما آنها را دوست می‌داریم. سپس فرمود: جعلکم الله معنا فی الدنيا و الآخرة. [۱۱] «خداوند شما را در دنیا و آخرت همراه ما قرار دهد.»

### اجازه سخن

با اینکه در بسیاری از موارد هیبت امام صادق علیه السلام به هیچ کس اجازه نمی‌داد تا به خود جرئت سخن گفتن در محضر آن حضرت را بدهد و تمام یاران و شاگردان امام به گوش جان سپرده بودند اما این امام بود که به برخی از یاران دستور می‌داد تا سخن گویند. روایت شده است که عده‌ای در محضر آن حضرت مناظره و گفتگو می‌کردند و حمران بن اعین ساکت بود. حضرت به او فرمود: ای حمران چرا تو ساکتی و سخن نمی‌گویی؟ حمران گفت: ای آقای من! سوگند یاد کرده‌ام که در مجلسی که شما در آنجا حضور دارید هرگز سخن نگویم. حضرت فرمود: من به تو اذن دادم، حال سخن بگو. [۱۲].

### بهره‌گیری از افراد توانا و آموزش در حین کار

امام صادق علیه السلام با ارزیابی قابلیت‌ها و توانمندی‌های شاگردان خود، برخی از آنها را برای پاره‌ای از مسائل و پیش‌آمدها و پاسخ به سؤالات و گفتگوهای علمی پرورش داده بود. مثلاً در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت، زبیدگانی همانند حمران بن اعین و هشام بن سالم و محمد بن النعمان احوال و قیس ماصر و هشام بن الحکم و غیر آنها را تربیت کرده بود و به موقع از آنها استفاده می‌کرد. یونس بن یعقوب گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهل شام بر آن حضرت وارد شد و اظهار داشت من مردی هستم صاحب کلام و فقه و فرایض، اکنون آمده‌ام تا با یارانت بحث و گفتگو و مناظره کنم. حضرت فرمود: این علم کلامی که تو از آن دم می‌زنی از کلام رسول خداست یا ساخته ذهن خود تست؟ مرد گفت: بخشی از کلام رسول خدا و بخشی از خودم است. امام فرمود: پس تو شریک رسول خدا هستی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس به تو وحی رسیده است؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس اطاعت تو واجب است همان گونه که اطاعت از پیامبر واجب می‌باشد؟ گفت: نه. اینجا بود که حضرت به من رو کرد و فرمود: ای یونس! این مردی است که پیش از آنکه سخن گوید خود را محکوم کرده است. سپس فرمود: ای یونس اگر کلام را خوب می‌دانستی، با او مناظره می‌کردی. یونس گفت: بسی جای حسرت است ولی ما از شما شنیدیم که از کلام نهی کردید... حضرت فرمود: من گفتم وای بر مردمی که سخن مرا ترک گویند و به سوی آنچه که خود می‌خواهند بروند. سپس فرمود: اکنون بیرون رو و بین چه کسانی از صاحبان کلام را می‌یابی؟ آنها را نزد من بیاور. گوید: بیرون رفتم و حمران بن اعین و محمد بن النعمان احوال و هشام بن سالم و قیس بن ماصر را دیدم، که همه آنها از متکلمین بودند. پس آنها را به حضور امام بردم وقتی که در چادر امام نشستیم، آن حضرت سر خود را از خیمه بیرون برده بود، گویا انتظار کسی را می‌کشید. نگاهمان به شتر سواری افتاد که از دور نمایان بود. حضرت فرمود: سوگند به خدای کعبه هشام است که می‌آید. ما خیال کردیم هشام مردی از

اولاد عقیل است که امام بسیار او را دوست می‌داشت. ناگهان هشام بن الحکم که در آن روز جوانی بود و تازه مو بر صورتش بیرون آمده بود از در وارد شد. امام پس از خوش آمدگویی، جایی برای او باز کرد و فرمود: ناصرنا بقلبه و لسانه و یده. سپس به حمران فرمود: با مرد شامی سخن بگو. حمران سخن را آغاز کرد و در گفتگوی خود بر او غالب شد. سپس به ابوجعفر حول فرمود: ای طاقی با او مناظره کن. او نیز به دستور امام با شامی سخن گفت و بر او غالب گشت. آنگاه هشام بن سالم را فرمود و او نیز به بحث و گفتگو پرداخت و غالب گشت. سپس به قیس ماصر دستور سخن داد و در پایان در حالی که از طرز سخن گفتن آنان و چیرگی شان بر شامی خوشنود بود و تبسم می‌کرد، به او گفت با این جوان (هشام بن الحکم) گفتگو کن... [۱۳].

### تقدیر از تلاشهای علمی

بسیاری از شاگردان امام صادق علیه السلام در حفظ آثار اهل بیت تلاشهای فراوانی کردند و تقریباً در تمام ابواب فقهی و دیگر زمینه‌های عقیدتی و اخلاقی و غیر آن از حضرتش حدیث و روایت نقل کرده‌اند. زراره بن اعین و ابوبصیر و محمد بن مسلم و برید بن معاویه از همان چهره‌های محترم و شاگردان مکتب آن حضرت صادق علیه السلام هستند. بدین جهت امام علیه السلام این تلاشهای صادقانه را مورد تقدیر قرار داده و درباره زراره فرموده است: «رحم الله زراره بن اعین، لولا زراره لا ندرست آثار النبوة و احادیث ابی [۱۴]» «خدای رحمت کند زراره بن اعین را. اگر زراره نبود آثار نبوت و احادیث پدرم از بین می‌رفت.» همچنین درباره وی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه و لیث بختری فرمود: اینان از نجبا هستند و از امنای الهی در حلال و حرام خدا می‌باشند؛ اگر ایشان نبودند آثار نبوت منقطع می‌شد و از بین می‌رفت. [۱۵]. نیز به سلیمان بن خالد فرمود: هیچ کس احادیث پدرم را زنده نکرد مگر زراره و ابوبصیر و لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلوی و... اینان حافظان دین و امنای پدرم بر حلال و حرام خدا هستند... [۱۶].

### ارجاع مردم به شاگردان خود

از دیگر نشانه‌های روابط بسیار خوب امام و شاگردان خود آن است که بسیاری از مردم را که دور از مدینه به سر می‌بردند و دسترسی به آن حضرت نداشتند، به برخی از شاگردان عالم و فقیه خود که پاسخگوی نیازهای دینی و اعتقادی مردم بودند ارجاع می‌داد؛ مثلاً: ۱- به فیض بن مختار فرمود: هر وقت خواستی بر حدیث ما دست‌یابی، آن را از این شخص که اینجا نشسته است بگیر؛ و با دست خود به زراره بن اعین اشاره فرمود. [۱۷]. ۲- به شعیب عرقوقی که به امام جعفر صادق علیه السلام گفته بود بسا می‌شود به برخی از مسائل نیاز پیدا می‌کنیم؛ آنها را از چه کسی پرسیم؟ فرمود: بر تو باد بر اسدی یعنی ابوبصیر. [۱۸]. ۳- به مسلم بن ابی حیه که پس از مدتی شاگردی در خدمت امام صادق علیه السلام می‌خواست به وطنش برگردد و توصیه‌ای از آن حضرت درخواست کرده بود، فرمود: نزد ابان بن تغلب برو، زیرا وی احادیث زیادی از من شنیده است؛ پس هر چه از من برای تو روایت کرد، تو آنها را از من روایت کن. [۱۹]. ۴- عبدالله بن ابی یعفور گوید: به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم ممکن نیست همیشه خدمت شما برسم و بسا می‌شود برخی سؤال می‌کنند و جواب آن را آماده ندارم؛ در این گونه مواقع چه کنم؟ حضرت فرمود: چرا با محمد بن مسلم تماس نمی‌گیری؛ زیرا که او از پدرم گرفته و نزد او وجیه بوده است. [۲۰]. ۵- در زمان حضرت صادق علیه السلام مردی شامی برای بحث و گفتگو با امام به مدینه آمده بود که حضرت او را به حمران ارجاع داد. آن مرد شامی گفت: من برای مناظره با تو به اینجا آمده‌ام نه با حمران! حضرت فرمود: اگر بر حمران غلبه کردی مثل آن است که بر من غالب شده‌ای. پس آن مرد از حمران سؤال می‌کرد و او پاسخ می‌گفت چندانکه آن مرد شامی خسته شد. حضرت به وی فرمود: ای شامی! حمران را چگونه یافتی؟ گفت: بسیار حاذق است زیرا هر چه از او پرسیدم جواب مرا می‌گفت. [۲۱].

## درخواست گزارش از فعالیت‌های تبلیغی

یونس بن یعقوب گوید: من و جمعی دیگر در محضر امام صادق علیه السلام بودیم و هشام بن حکم حضور داشت. حضرت رو به هشام نمود و فرمود: داستان خود را با عمرو بن عبید برای دوستانت نقل کن. هشام عرض کرد: شنیده بودم که عمرو بن عبید در بصره برای خود محلی در مسجد ترتیب داده و مردم اطراف او را می‌گیرند و او مردم را گمراه می‌کند. این مطلب بر من خیلی گران آمده بود. بدین جهت به سوی بصره سفر کردم. اتفاقاً روز جمعه بود که وارد بصره شدم. به مسجد رفتم و او را دیدم که با کمال وقار و بزرگی نشسته و مردم اطراف او حلقه زده‌اند و پیوسته از او سؤال می‌کنند. من خود را در کنار آن مردم جای دادم. آنگاه رو به او کردم و گفتم: ای دانشمند! من از تو سؤال دارم. گفت: بگو. پرسیدم: آیا چشم داری؟ گفت: ای پسرک این چه سؤال است که می‌کنی؟ مگر نمی‌بینی که چشم دارم؟! گفتم: سؤال من در همین حد است. گفت: بپرس، اگر چه سؤال تو احمقانه است. باز سؤال کردم: آیا چشم داری؟ گفت: آری. گفتم: چه استفاده‌ای از آن می‌کنی؟ گفت: مردم را می‌بینم و رنگها را تمیز می‌دهم. گفتم: بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: چه بهره‌ای از آن می‌بری؟ گفت: بوها را استشمام می‌کنم. گفتم: دهان داری؟ گفت: آری. گفتم: از آن چه فایده‌ای می‌بری؟ گفت: غذاها را به آن وسیله می‌چشم. گفتم: آیا قلب داری؟ گفت: آری. پرسیدم: با او چه می‌کنی؟ گفت: آنچه را که اعضا و جوارح بدنم لمس کنند خصوصیات آن را با قلب تمیز می‌دهم. گفتم: با آنکه این اعضا و جوارح، صحیح و سالم هستند چه نیازی به قلب است؟ گفت: قلب رئیس بدن است آنچنانکه هر چه انسان بشنود و در آن حیرتی باشد به وسیله قلب و تامل کردن در آن می‌توان خصوصیات و واقعیت آن را کشف کرد. گفتم: پس قلب به منزله رئیس و فرمانده اعضا و حواس انسان است و بدن از وجود چنین فرمانروایی مستغنی و بی‌نیاز نیست؟ گفت: آری. آنگاه گفتم: ای ابا مروان! خداوندی که برای اعضا و جوارح انسان رئیس و امامی قرار داده که در وقت جهل و حیرت خود به او رجوع کنند، چگونه ممکن است این امت را حیران و سرگردان در جهل خود فرو گذارد و برای آنان امام و رئیسی قرار ندهد تا در موارد حیرت و نادانی خود به او رجوع کنند؟ عمرو چون این کلام را از من شنید رو به من آورد و گفت: اهل کجایی؟ گفتم: اهل کوفه. گفت: پس یقین دارم که تو هشام هستی. بی‌درنگ از جای برخاست و مرا در آغوش گرفت و در جای خویش نشانید و تا وقتی که من در آن مجلس بودم هیچ سخن نگفت تا آن زمان که برخاستم. حضرت صادق علیه السلام از این جریان خندید و فرمود: ای هشام! این مناظره را از کجا یاد گرفتی؟ هشام گوید: عرض کردم یابن رسول الله بر زبانم جاری شد. حضرت فرمود: ای هشام به خدا سوگند این مطالب در صحف ابراهیم و تورات موسی نگاشته شده است.

## راهنمایی و تذکر

هر دانشمندی هر چند که از نظر دانش، توانا باشد معمولاً دارای ضعفهایی نیز هست که باید آنها را به قوت مبدل کند و اگر نقاط قوتی دارد باید بر آنها تکیه زند تا بهتر مورد استفاده قرار گیرد. امام صادق علیه السلام در ضمن جلسات درسی و یا در ملاقاتها و نشستهای علمی که با شاگردان خود داشت، هر گاه به نقاط ضعف یا قوت آنان برخورد می‌کرد هرگز از یادآوری آن خودداری نمی‌کرد. امام پس از آنکه عده‌ای از شاگردان خود را برای بحث و گفتگو با یک مرد شامی فرا می‌خواند، در پایان به نقاط مثبت و منفی که در آنها دیده است اشاره می‌کند. درباره حمران می‌فرماید: ای حمران! تو در بحث، سخنی را دنبال می‌کنی و به نتیجه می‌رسانی. به هشام بن سالم فرمود: می‌خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی اما توانایی نداری و به احوال فرمود: در بحث و مناظره بسیار قیاس می‌آوری و حيله گری می‌کنی؛ باطل دیگران را به باطل جواب می‌دهی و خرد می‌کنی؛ جز اینکه باطل تو گویاتر و آشکارت از باطل اوست. و به قیس ماصر فرمود: به هنگام گفتگو به حق نزدیک می‌شوی اما از اخبار و احادیث پیامبر

بسیار فاصله می‌گیری و حق را به باطل می‌آمیزی، اما بدان که سخن حق اگر چه کم باشد تو را از باطل بسیار بی‌نیاز خواهد ساخت. سپس افزود: تو و احوال در بحث و مناظره جنب و جوش خوبی دارید و بسیار حاذق و هوشیار هستید. یونس گوید: یک لحظه با خود گفتم که شبیه همین سخنان را حضرت به هشام بن الحکم خواهد گفت اما دیدم که حضرت وی را مخاطب قرار داد و فرمود: ای هشام تو پیش می‌روی اما همین که می‌خواهی به زمین بخوری ناگهان پرواز می‌کنی و همانند تو باید با مردم سخن گویند. از لغزش پرهیز که امداد شفاعت در پشت سر تو خواهد بود. [۲۲].

### ابراز خشم از اسائه ادب بر شاگردان

جمیل بن دراج گوید روزی به قصد دیدار امام صادق علیه السلام به خانه ایشان روانه شدم. پیش از ورود، شخصی از اهل کوفه را دیدم که از محضر امام بیرون رفت. وقتی بر آن حضرت وارد شدم، حضرت فرمود: آن کس را که هم‌اکنون از نزد من بیرون رفت ملاقات کردی؟ عرض کردم: آری، او مردی از یاران ما و از کوفیان است. حضرت فرمود: خدای روح او را و هر که همفکر اوست پاک نگرداند. او از کسانی یاد کرد و عیب جویی نمود که پدرم آنها را بر حلال و حرام خدا امین شمرده بود و جایگاه علم پدرم بودند و امروز در نزد من چنین هستند. اینان جایگاه سر من می‌باشند. از یاران حقیقی پدرم بوده‌اند و اگر اهل زمین در اثر گناه، مستحق عذاب الهی باشند، خداوند به واسطه همین چهره‌ها سوء و عذاب را از آن مردم برطرف می‌کند. اینان ستارگان شیعیانم هستند چه زنده باشند و چه مرده. اینان کسانی هستند که یاد پدرم را زنده کرده‌اند. سپس گریه کرد. عرض کردم: اینان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی هستند که مشمول صلوات و رحمت خداوند می‌باشند چه زنده باشند و چه مرده؛ آنان برید عجلی و زراه و ابوبصیر و محمد بن مسلم هستند. [۲۳].

### تأثر از فوت یاران و اظهار همدردی

امام صادق علیه السلام با دریافت خبر رحلت غم‌انگیز برخی از یاران و شاگردان سخت متأثر می‌شد و با صاحبان عزا اظهار همدردی می‌کرد. چنانچه نقل گردیده وقتی که ابان بن تغلب از دنیا رفت و خبر وفات او به امام صادق علیه السلام رسید، حضرت بر او رحمت فرستاد و سوگند یاد کرد که مرگ ابان دل مرا به درد آورد. [۲۴].

### ترحم و طلب آمرزش

از آن حضرت سخنان بسیار مهم و ارزشمندی درباره برخی شاگردان که از دنیا رفته بودند شنیده شده است. در این سخنان زیبا نه تنها بر عدالت و وثاقت آن بزرگ مردان صحنه گذاشته شده، بلکه به ثبات ایمان و اهل بهشت بودنشان نیز اشاره گردیده است. بهترین مصداق سخن آن حضرت افرادی همانند حمران بن اعین و عبدالله بن ابی یعفر و یونس بن ظبیان و بکیر بن اعین هستند. ۱- امام صادق علیه السلام پس از فوت یونس بن ظبیان فرمودند: رحمه الله و بنی له بیتا فی الجنة کان و الله مامونا علی الحدیث... [۲۵]. خدای رحمت کند او را و خانه‌ای برایش در بهشت بنا کند. به خدا سوگند که اونسبت به ضبط و نقل حدیث امین بود. ۲- آن حضرت پس از فوت حمران بن اعین فرمود: مات والله مؤمنا [۲۶]. به خدا سوگند که وی به حالت ایمان از دنیا رفت. ۳- امام پس از فوت بکیر بن اعین فرمود: والله لقد انزله بین رسوله و امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهما [۲۷] به خدا سوگند که پروردگارش جایگاه او را بین پیامبر و امیر مؤمنان قرار داد. ۴- و پس از وفات عبدالله بن ابی یعفر، نامه‌ای به مفضل بن عمر نوشت و چنین یادآور شد: خداوند او را قبض روح کرد در حالی که نیکنام بود، تلاشش مورد تقدیر، خودش آمرزیده و مورد رضایت خدا و پیامبر و امامش بود... در زمان ما کسی مطیع‌تر از او برای خدا و رسول و امامش یافت نمی‌شد و بر همان حال بود تا خداوند

روحش را به سوی خود گرفت و به بهشت روانه‌اش ساخت. [۲۸].

## زیارت قبر یاران

عبدالملک بن اعین شیانی کوفی یکی از یاران با وفا و از شاگردان امام صادق علیه السلام بود که در نزد امام، قرب و احترام فراوان داشت. حضرت پس از آنکه وی در مدینه از دنیا رفت، دست به دعا برداشت و فرمود: خدایا ما در نزد ابو ضریس از بهترین بندگانت بودیم؛ خدایا او را در روز قیامت جزو ثقل محمد صلی الله علیه و آله قرار ده. سپس درباره‌اش فرمود: چه کسی همانند ابو ضریس است، بلکه همانند او کسی نیامده است. [۲۹]. آنگاه با یاران خود به زیارت قبر او در مدینه رفت [۳۰] و در کنار تربتش بر او رحمت فرستاد.

## پاورقی

- [۱] رجال نجاشی، ص ۸.
- [۲] سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۰.
- [۳] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۹.
- [۴] شاگردان مکتب ائمه، ج ۱، ص ۲۶۱ و اختصاص مفید، ص ۱۹۲.
- [۵] همان، ص ۲۳۹.
- [۶] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۷.
- [۷] سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۱۹.
- [۸] همان.
- [۹] همان، ج ۲، ص ۲۱.]
- [۱۰] شاگردان مکتب ائمه، ص ۱۰۰.
- [۱۱] تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۷.
- [۱۲] سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۳۴.
- [۱۳] ارشاد مفید، ص ۲۶۱.
- [۱۴] اختصاص مفید، ص ۶۱.
- [۱۵] تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۶۵.
- [۱۶] همان، ص ۱۶۵.
- [۱۷] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۱.
- [۱۸] همان، ص ۱۷۵.
- [۱۹] شاگردان مکتب ائمه، ص ۲، رجال نجاشی، ص ۱۰.
- [۲۰] جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۹۳.
- [۲۱] منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۷۰ و تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۷۱.
- [۲۲] ارشاد مفید، ص ۲۶۲ و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۲۲.
- [۲۳] تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۶۵.

- [۲۴] معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۵.
- [۲۵] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۰.
- [۲۶] جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۷۸ و تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۷۰.
- [۲۷] معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۳۵۳.
- [۲۸] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۳.
- [۲۹] جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۱۹.
- [۳۰] همان.

## تشویق و تکریم شاگردان شایسته

### اشاره

تاریخ زندگی برخی یاران و شاگردان امام صادق علیه السلام و تعبیرات بسیار زیبایی که آن حضرت در حضور و یا در غیاب آنها می‌فرمود، به خوبی نشانگر آن است که امام تا چه حد آنان را مورد تشویق و احترام قرار می‌داد. اکنون نمونه‌هایی از رفتار احترام‌آمیز آن حضرت را در حق شاگردان خود ذکر می‌کنیم.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.  
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...  
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...  
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰ IR  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگووار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».



التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بپندارد، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

